

و ص ت نامہ شہد:

رفقا، دوستان و همکاران و ہمنشینان عزیزم کہ شاید بیشترین اوقات زندگی ام را در کنار شما بوده ام، خداوند را شاکرم کہ در رفاقت ہم به من لطف عطا کرده کہ دوستان و ہم نشینانی به خوبی شما دارم تا تکمیل کننده و یاری دهنده من باشید. شما ہمگی می دانید من راه خود را انتخاب کردم و این راه را دوست داشته و دارم. عذر خواهم کہ رفاقت را در حق شما تمام نکردم و ملتمسانه خواهانم کہ مرا عفو و حلال کنید. مرا ببخشید و دعایم کنید و در روضه های ارباب مرا فراموش نکنید.

این دنیا با تمامی زیبایی ها و انسان های خوب و نیکوی آن محل گذر است، نه وقوف و ماندن! و تمامی ما، باید برویم و راه این است، دیر یا زود فرقی نمی کند، اما چه بہتر کہ زیبا برویم... من خود را در حد و اندازه ای نمی بینم کہ برای کسی نصیحت و پندی داشته باشم و اگر ما دنبال پند و نصیحت باشیم چه بسیار است، فقط می خواهد چشم بینا و گوش شنوا.

رفاقتان عزیزم محمدرضا العزیز

شہد

محمد حسرت

رسول خلیلی

